

۲۰۱۸/۸/۲۷

کاندید اکادمیسین سیستانی

تبصره یی بر مقاله «استرداد استقلال افغانستان»

(نوشته پوهندوی شیما غفوری)



طاق ظفر دریغمان کابل

شاعر و نویسنده با بصیرت افغان استاد شیما غفوری، در پیوند به استقبال از روز استقلال کشور در رسانه های اجتماعی افغانی و از جمله در فیسبوک، مکث نموده و دریافت های خود را در مقاله ای در پورتال افغان جرمن و فیسبوک گذاشته است که دارای محتوای عالی است و مورد استقبال هواداران استقلال قرار گرفته است.

شیما غفوری مقاله را با این پرسش آغاز میکند: «**کیها این روز را با تبریک گفتن و کیها آنرا با تخریب کردن استقبال می کنند؟**» و بعد در ارجگذاری از استقلال می نویسد: «در تاریخ هر مملکت روزی که کافه ملت برای استرداد استقلال و حفظ نوامیس ملی به پا خیزد و خون خویش را بخاطر یک هدف والا بریزد، قابل تمجید و ارج گذاری است. صرف نظر از اینکه کی و از کدام قوم جامعه در رأس آن قرار داشته است.» در ادامه توضیح فوق استاد شیما دوسوال زیر را مطرح میکند:

اول: "آیا ۲۸ اسد ۱۲۹۸ مطابق 19 اگست 1919 نتیجه قیام مردم ما بوده است؟" و بلافاصله میگوید: "**بلی بدون شک.**" شواهد تاریخی نشان می دهد که مردم افغانستان از هر قوم و ولایت، اعم از زن و مرد به خاطر شکستادن ظلم استعمار انگلیس به پا برخاستند. ثبوت این حقیقت نتیجه این جنگ است، ثبوت این حقیقت مجبوریست امپراطوری عظیم انگلیس برای شناسایی استقلال سیاسی افغانستان، به حیث اولین حلقه در زنجیر دراز استعمار انگلیس میباشد. ثبوت این حقیقت

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پاڼوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

موجودیت 28 اسد می باشد. اگر این روز نتیجه به پاخیزی همه مردم افغانستان نمیبود، آیا افغانستان فقیر با داشتن اسلحه کم و از مود افتاده در مقابل بزرگترین قدرت زمان با اسلحه مدرن و وافر میتوانست شجاعانه بایستد و موفقانه بایستد و تا حصول استقلال بایستد؟ هر عقل سلیم و فارغ از دغدغه های قومی و سیاسی میتواند برای این سوال فقط یک جواب را بیابد که آن عبارت است از: **هرگز نه!**

تاریخ گواه آن است که در این قیام به رهبری شاه امان الله غازی اراده و عمل جانبازانه تمام مردم از هر قوم افغانستان شامل بود.

دوم: در مورد ملی بودن و فرا قومی بودن شخصیت امان الله خان میباشد.

« شخصی که در زیر ریش استعمار انگلیس ملت افغانستان را برای جهاد نهایی بر ضد آنها سازماندهی نمود، آیا میتواند شخصیت یک بعدی بوده باشد؟ هرگاه امان الله خان فرا قومی نمی اندیشید، آیا مردم افغانستان به وی اعتماد می کرد؟ آیا در این جنگ نابرابر در عقب وی صف می کشیدند و خون خویش را فدای وطن می کردند؟ بازهم جواب چنین است: **هرگز نه !**

پس سوال پیدا میشود که چرا یک عده این روز [استقلال] را تخریب می نمایند؟ آیا اینها واقعاً با آزادی سیاسی افغانستان در آن زمان مخالفت دارند؟

بر مبنای بررسی ام در دو سال اخیر در فیسبوک اشخاصی که کارکرد های شاه امان الله را تخریب می نمایند، و وی را بعضاً مربوط به یک قوم معرفی می کنند، تا آن جایی که حتی استراد استقلال کشور را هم منفی جلوه می دهند. اساساً این اشخاص شامل سه گروه میباشد:

گروه اول- کسانی اند که معتقد به مبارزه ملی نه، بلکه در گیر مبارزه قومی اند. بعضی با دین برخی هم بی دین. آنهایی اند که می خواهند بلوای امیرحبيب الله کلکانی را در سال 1929 در مقابل امان الله خان، این شاه ترقی خواه رنگ قومی ببخشند تا این عمل وی را مشروعیت بدهند و روی این تراژیدی تاریخی را با آبی به نام «**رد کردن تمام کار های میهنی شاه امان الله**» بشویند. و الا بلوگران باید نفرین مردم افغانستان را تا ابد به دوش بکشند.

و گروه دوم کسانی اند که از جانب خارجی ها برای شکستادن روحیه استقلال خواهی و از بین بردن اتفاق مردم حتی در برابر این بزرگترین دست آورد مشترک مردم افغانستان، مؤظف اند.

و گروه سومی کسانی اند که برای دل خوش ساختن دوست های فیسبوکی شان لایک می گذارند. «(رک: پوتال افغان جرمن آنلاین، 21/ 8 /2018، زیرآرشیف مقالات شیمیا غفوری)

تبصره یا تکمله من بر این مقاله:

برداشتهای خانم شیمیا غفوری ، در مورد استقلال وشاه امان الله خان بحیث یک شخصیت ملی و اقدام قهرمانانه اش در نبرد با استعمار انگلیس بخاطر کسب استقلال کشور، یک برداشت وطن پرستانه،

واستقلال خواهانه، همراه با استدلال و درک مسئولیت ملی است و هرافغان آزادی خواه و علاقمند به سربلندی افغانستان، از روز استقلال کشور استقبال میکند و آن را گرمی میخوهد .

افغانهای آزادی دوست کشور و در پیشاپیش همه جوانان بیدار و آگاه افغانستان در داخل ، امسال از روز 28 اسد روز استرداد استقلال کشور تا حد تحسین برانگیزی تجلیل کردند و احساسات و وطن دوستی و استقلال طلبی خود را، به مردم جهان و دشمنان افغانستان نشان دادند.

با استفاده از شرایط بحرانی مسلط بر کشور، برخی از عناصر خودفروخته و جاسوسان فطری ، از این روز بزرگ ملی نه تنها تجلیل نکردند و خصلت نوکرمندی و وطن فروشی خود را نشان دادند، بلکه برخی از نویسندگان سقوی خصلت قلم برداشتند و در بیهوده گی استقلال و شخصیت کم نظیر شاه امان الله که در روز اول تاجپوشی خود استرداد استقلال کشور را به مردم افغانستان وعده داده بود، و در عمل آنرا به اثبات رسانید، به یاوه گوئی بپردازند و او را و استقلال را تخریب کنند.

خوشبختانه قلم بدستان ملی اندیش افغانستان در هرکجایی که باشند، از این دو گوهر ارزشمند تاریخ معاصر کشور: **یکی استقلال و دیگری شاه امان الله** ، با کمال شجاعت و متانت دفاع کرده و دفاع میکنند. دو کامنت از دو خانم صاحب قلم و اندیشه را در تانید موقف خانم شیما غفوری نقل کنم:

« **Zarghona Obaidi-Teebken**: دوست عزیز پوهندوی شیما غفوری! دیدگاه روشن میهنی تان در ارزیابی از دستاورد بزرگ استرداد استقلال افغانستان و شخصیت ملی ، متجدد و ترقیخواه شاه امان الله خان را ارج میگذارم. بسیار تشکر از شریک کردن آن با دوستان. برای بدست آوردن استقلال هزارن سرباز وطن خون پاک خود را نثار کرده اند و برای حفظ آن همه همسان مسوول اند. روان شاه امان الله خان و ملکه ثریا و سربازان قهرمان وطن را شاد و آرزوهای شاه و ملکه را برای افغانستان برآورده آرزو میکنم.

دکتور زرغونه عبیدی سخنان شاه امان الله را چنین نقل میکند:

"به آن شرط این تاج و تخت را میپذیرم که شما با اندیشه ها و افکار من همکاری کنید. حکومت افغانستان باید از نگاه داخلی و خارجی کاملاً مستقل و آزاد باشد. به هیچ نیروی خارجی به اندازه یک سر مو اجازه داده نخواهد شد که در امور داخلی و خارجی افغانستان مداخله کند و اگر کسی به چنین امری اقدام نماید گردنش را با این شمشیر خواهم زد" .

شاه در هنگام داع (سفر به اروپا) به شهریان کابل گفت: «تحت سلطه حکمران یا پادشاه مستبدی بسر نبرید. به هدايات من گوش دهید و به خرافات عقیده نداشته باشید؛ زیرا بعضی ملامهای بی خرد، دین را یک زنجیر برای تان ساخته و چیزهای غلط برای تان میگویند و شما را فریب می دهند. مطابق اوامر خدا و پیغمبر(ص) رفتار نمایید. در مقابل زنان از مدارا و ترحم کار بگیرید. زنان مانند شما حق دارند و انسانند. بیشتر از یک زن نگیرید و اطفال تان را به مکتب روان کنید و ثروت تان را در راه تعلیم و تربیه اولاد تان به مصرف برسانید...» (کامنت Zarghona Obaidi-Teebken بر مقاله شیما غفور)

د پانوی شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښکي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ



Lina Rozbih-Haidari

۱۹ اگست، ساعت ۰۷:۱۳ .

«امان الله خان را دوست دارم چون تحول را از خود و در خانواده خود آغاز کرد و بعد در کشور گسترش داد، چون وجدان داشت و زمانیکه بخارج و به هر گوشه و کنار جهان سفر میکرد، هدف اش فقط عیش و نوش نبود، او از نزدیک پیشرفت و تحولات اقتصادی، اجتماعی، مدنی و سیاسی را میدید و در بازگشت به افغانستان میخواست تا این انکشاف و پیشرفت را بنوعی در سرزمین خود عملی بسازد تا مردم اش در رفاه زندگی کنند.

امروز همه برای یادبود و بزرگداشت از او، پست های طویل مینوسند، ولی هنوز هر کو برای تحول در ان کشور بکوشد، مردود است، هر کو برای تغییر قد علم کند، با ناکامی مواجه میشود، هر کو بخواهد برای رهایی از بند های جهالت و تحجر مبارزه کند با فتوا و نفی و تکفیر مواجه میشود... هر کو قلب و دل اش برای خدمت به مردم اش بتپد، کشته میشود. امروز، نود و نه سال بعد از امان الله خان، هنوز در ان سرزمین نه جایی برای امان الله خان هاست و نه تحملی برای پذیرش منطق و مفکوره او. ای کاش به جای نوشتن پست های طویل و تجلیل و توصیف، به آرمان های امان الله خان برای کشور اش توجه شود و هر تبعه، تحول را مثل او از خود و خویش آغاز کند و به سطح کشور گسترش بدهد تا خواب ها و رویا های را که او و انسان های مشابه به او برای ان سرزمین داشتند، حداقل یکصد سال بعد از کسب استقلال، عملی شود. امروز، نود و نه سال از کسب استقلال افغانستان میگذرد، ولی حیف که تفاوتی در میان تصاویری که نود و نه سال قبل از افغانستان گرفته شده، تا حال دیده نمیشود، انکشاف و پیشرفت و صلح و آرامش، هنوز در این سرزمین فاجعه زده، خواب و خیال و محال پنداشته میشود و فاجعه برانگیز تر اینکه نود و نه سال قبل، درسرک های پایتخت، لکه های خون مردم دیده نمیشد ولی امروز خون بیشتر از اب در سرک های ان کشور جاریست. امان الله خان، سالروز استقلال را به تو تبریک میگویم ولی افغانستان و مردم ات، هنوز در بند اند و محتاج، فقیر و بیسواد و در چنگ جنگ و فاجعه بحران... هنوز چشم به راه اند تا ناجی به نجات شان بشتابد....» <https://www.facebook.com/permalink.php?story>

درک عالی و شعور بلند دکاتور زرغونه عبیدی و خانم شیما غفوری و خانم لینا روزبه، مثل ده و صدها و هزاران زن و مرد وطن پرست دیگر افغانستان گواه این حقیقت است که شاه امان الله با استرداد استقلال افغانستان خدمت بزرگ و بنیادی را به مردم افغانستان انجام داده است. بنابراین وظیفه وجدانی و میهنی هر شهروند این کشور است تا از استقلال و آزادی خود دفاع کند و در حفظ وصیانت آن از دل و جان مایه بگذارد و کسانی را که در تلاش تخریب استقلال کشوراند و آنرا بی اهمیت جلوه میدهند تا دل دشمنان افغانستان، و قبل از همه استخبارات انگلیس را خوش بسازد، بایستی شناسائی

د پانوی شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولۍ

و دیگر فریب چنین افراد خاین و ضد ملی نخورند.



اشرف غنی، رئیس جمهوری افغانستان در پای منار استقلال گل گذاشت.



عشق و احساس این دخترخانم جوان به استقلال کشور با نمایه بیرق سه رنگ
افغانستان برگونه زیبای خود ، کمتر از همان احساس میهن دوستی نیست
که خانم زرغونه و خانم شیما و خانم روزبه با قلم آنرا ابراز کرده اند.
(منبع: bbc)

داکتر عزیز شمس از فعال شدن نویسندگان شورای نظار در فیسبوک یاد کرده مینویسد: " شورای نظار
یان در فیسبوک نیز به برضد افغانستان فعال شده اند. خلاصه دشمنان با مزد گزاف حرف های عوام فریبانه میزنند،
نباید وطندوستان فریب آنها را بخورند و افغانستان را در فاجعه غرق سازند که پشیمانی بعدی سودی نخواهد داشت
ولی لکه ننگ بر پیشانی وطندوستان غافل از حقایق خواهد ماند." (سایت تول افغان)

نویسندگان وابسته به مافیای شورای نظار، برای کم کردن وزنه شخصیت شاه امان الله غازی،
ملاهایی از نوع ملای لنگ (جاسوس انگلیس که شورش خوست را سازمان داده بود) را استخدام کرده
اند تا بیشترمانه برمنبر قرار بگیرند و از آنجا غازی امان الله را که کمترین خدمتش به مردم
افغانستان، آزادی و استقلال بود، بد و ناسزا بگویند و آن شخصیت کم نظیر تاریخ را به خاطر تراشیدن
ریش خود، کافر بخوانند و در مقابل به توصیف از یک دزد سرگردنه و دشمن مکتب و معارف بپردازند

د پانو شمیره: له 5 تر6

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولئ

و او را مجاهد کبیر و غازی بنامند و در وصف ملای لنگ (پیربغداد- اجنت انگلیس) داد سخن بدهند و بگویند که وقتی ملای لنگ از زمین بلند میشد، سبزه ها از بوی گندش از زمین سر میکشید و فضای رامعطرو مشام اجنتان را تازه میساخت!

نتیجه:

اگر همه سخنان گفته شده بالا را جمع کنم به این نتیجه میرسیم که تحت زعامت شاه امان الله استقلال سیاسی کشور از بریتانیا که تا آن روز افتاب در مستعمراتش غروب نمیکرد، حاصل شد و از آن تاریخ ببعد افغانستان وارد مرحله جدیدی از حیات سیاسی خود گردید. پس از استرداد استقلال، افغانستان در صف ملل آزاد جهان قرار گرفت و توانست روابط سیاسی و فرهنگی و تجاری و دوستی را با سایر کشورهای جهان برقرار کند.

بلند شدن صدای ملاحی نوع ملای لنگ هوادار سقو از منبر مسجد برضد شاه امان الله مرحوم، به این معناست که انگلیس هنوز هم دست از دشمنی با مردم افغانستان برنداشته است و هنوز هم میخواهد انتقام شکست استعمار را در سه جنگ افغان و انگلیس از ملت افغان بگیرد. میخواهد به مردم جهان نشان بدهد که اینک مردم افغانستان یکصد سال بعد از استقلال خود هنوز هم مردمان جاهل و نادانی اند که به سخنان یک ملای جاهل گوش میدهند و به آن چه میگوید: "وقتی ملای لنگ گند میزد، زمین خشک به چمنزار مبدل میشد و بوی گوز او به عطر مبدل میگردد" باور میکنند!

در مقاله قبلی ام بر این نکته تأکید کرده بودم که: « استقلال و شاه امان الله، دو نام جدا ناپذیر تاریخ کشور اند، و استقلال کرده بودم که در روند گرامیداشت از استرداد استقلال کشور، هیچ افغان با وجدان، و هیچ محقق بیطرف و هیچ آزادی خواه وطن پرستی پیدا نخواهد شد که از استقلال کشور یاد نماید و همزمان با آن، به یاد اعلیحضرت غازی امان الله، رهبر و وطن دوست و سر بکف افغان که استقلال کشور را به ملت شریف خود تقدیم کرد، نیفتد و یاد آن قهرمان واقعی ملت را در بدست آوردن استقلال سیاسی کشور گرامی نشمارد.»

و حال میخواهم بر آن گفته قبلی این پراگراف را علاوه کنم که: در همه کشور های جهان، گران بهاترین گوهر زندگی، استقلال آن کشور است که مردم آنرا در بدل خون خود بدست آورده اند. پس تخریب کردن کسی که مردم را بخاطر کسب استقلال سیاسی کشور به یک نبرد عادلانه بسیج کرده باشد، در واقع تخریب کردن استقلال کشور است. و تخریب استقلال بدون تردید خیانت به وطن و خونهای ریخته شده در راه کسب آن است. 99 سال قبل از امروز، مردم افغانستان تحت زعامت شاه امان الله با فداکاری و از جان گذشتگی هزاران سرباز وطن اعم از پشتون و تاجیک و بلوچ و هزاره و اوزبک و غیره در جبهات جنگ سوم افغان و انگلیس؛ استقلال خود را بدست آوردند. پس حرمت به استقلال کشور، حرمت به خونهای ریخته شده پدران و اجداد دلیر و آزادی دوست ما است و بی احترامی به استقلال کشور، بی احترامی به شجاعت و جان بازیهای نیاکان ما خواهد بود.

پایان

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي